

بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم آذربایجان شرقی - 27 بهمن / 1389

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خوشامد عرض میکنم و تشکر میکنم از یکایک شما برادران و خواهران عزیز که از راه دور تشریف آوردید و امروز حسینیهای ما را با صفای خودتان، با بیانات خودتان، با شعار خودتان، با ایمان و صدقی که در شما هست، منور کردید.

در آستانه‌ی روز تاریخی فراموش‌نشده بیست و نهم بهمن، مطلبی که ما میتوانیم به مردم آذربایجان و تبریز عرض کنیم، این است که ما همواره با نگاه به این خطه‌ی دل‌آورد، خطه‌ی ایمان، خطه‌ی اخلاص، احساس سربلندی و افتخار کرده‌ایم. هر وقت در هر نقطه‌ای از تاریخ، انسان به آذربایجان نگاه میکند و مردم آذربایجان را می‌بیند، احساس افتخار میکند، احساس عزت میکند.

در حوادث پی‌درپی صد و پنجاه سال اخیر ایران، آذربایجانی‌ها پیشرو بودند؛ گاهی پیشرو بودند، گاهی تک بودند. در قضیه‌ی تحریم تنباکو که میرزای شیرازی از سامره دستور دادند، جزو اولین نقاطی که مردم پاسخ دادند، علمای بزرگ آذربایجان - مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد و دیگران - پاسخ دادند و مردم آمدند توی میدان، تبریز بود؛ که کمر استعمار را در یک دوره‌ای، در یک برهه‌ای شکست. در قضیه‌ی مشروطیت همین جور، در قضایای بعد از دوره‌ی استبداد صغیر همین جور، در قضایای بعدی تا دوره‌ی انقلاب اسلامی همین جور؛ که این 29 بهمن شد یک پرچم، شد الگوساز؛ مهم این است. مهم این است که یک ملتی، یک جماعتی، یک مجموعه‌ای، یا یک فردی بتواند الگو درست کند، تا این الگو تولید مثل کند. کار تبریزی‌ها در قضیه‌ی 29 بهمن این بود؛ والا قضیه‌ی 19 دی قم ممکن بود فراموش شود. تبریزی‌ها نگذاشتند آن حادثه‌ی مهم و خونین قمی‌ها به وسیله‌ی تبلیغات، به وسیله‌ی غفلتها یا غرض‌ورزی‌ها از یاد برود؛ یعنی کار حضرت زینب را کردند. اگر زینب نبود، کربلا نبود. اگر زینب نبود، حادثه‌ی عاشورا معلوم نبود این گسترش را پیدا کند و این ماندگاری را در تاریخ داشته باشد. حرکت مردم اینجوری بود. آن وقت شد الگو. اربعین اول را تبریزی‌ها راه انداختند، اربعین‌های بعدی پی‌درپی راه افتاد و منتهی شد به این حرکت عظیم. خب، اصل انقلاب هم همین جور است. با همت عمومی ملت ایران، این انقلاب الگوسازی کرده است. عزیزان من! فشارهایی که در طول این سی و سه سال بر ایران اسلامی، بر جمهوری اسلامی وارد شد، شاید بشود گفت علت اصلی همین بود که نگذارند یک الگو در مقابل چشم مردم مسلمان منطقه به وجود بیاید؛ چون بدون الگو، حرکتها دشوار است؛ با وجود الگو، حرکتها آسان است. وقتی یک ملتی الگو شد، یک حرکتی الگو شد، تشویق میکند، استعدادها را به حرکت درمی‌آورد. میخواستند این نشود.

تحریم میکنند، برای اینکه به خیال خودشان کشور را از لحاظ اقتصادی ضعیف کنند، تا دیگران نگاه کنند، بگویند اسلام ملت را از لحاظ اقتصادی به عقب میراند. دانشمند را ترور میکنند تا حرکت علمی را متوقف کنند، تا ملت ایران نتواند حرکت عظیم و پیشرفته‌ی علمی خودش را که به برکت اسلام و انقلاب است، روی دست بگیرد و به دنیا نشان بدهد، به امت اسلامی نشان بدهد. تهمت میزنند به اختناق، به ضدیت با حقوق بشر و از این قبیل چیزها متهم میکنند، برای اینکه افکار عمومی دنیا را برگردانند؛ لیکن با وجود همه‌ی این تلاشها، این تبلیغات، این خبائتها، انقلاب درخشید و دارد میدرخشد.

هرچه بیشتر به جمهوری اسلامی حمله کردند، قوی‌تر شد. جنگ هشت ساله، ما را قوی‌تر کرد. اگر جنگ هشت ساله نبود، این سرداران شجاع، این مردان برجسته نشان داده نمیشدند، در بین ملت بروز نمیکردند؛ این حرکت عظیم مخلصانه‌ی مردم مجال بروز و ظهور پیدا نمیکرد. اگر فشار اقتصادی نبود، تحریم اقتصادی نبود، تحریم علمی نبود، استعدادهای جوانهای ما مجال بروز پیدا نمیکردند؛ یعنی همه چیز حاضر بود، آماده بود، دنبالش نمیرفتند، به آن نمیرسیدند. تحریم کردند، استعداد درونی به جوش آمد، ملت بالا کشید، ملت رشد کرد، این پرچم‌ها برافراشته‌تر شد. بعد از این هم همین است. «یریدون لیطفوا نور الله بأفواههم و الله متمّ نوره و لو کره الکافرون»؛ (1)

میخواهند نور را خاموش کنند، اما خدا اراده کرده این نور کامل شود. و کامل خواهد شد. آنچه که من در قضاوت نسبت به تبریز و آذربایجان و این مردم مؤمن در این فرایند عظیم احساس میکنم، این است که این مردم، شور و شعور، عزم راسخ همراه با بصیرت را همیشه داشته‌اند؛ این را حفظ کنید. من این شور و هیجانی که در مردم تبریز و آذربایجان دیدم، باید بگویم بی‌نظیر بوده است. در طول سالها اینجور بوده است؛ در سفرهائی که به تبریز داشتم، در دیدارهای که با تبریزی‌ها و آذربایجانی‌ها داشتم. و شور، تنها نبوده است؛ همراه با بصیرت، همراه با قدرت تحلیل، با فهم دقیق. این است که مردم راه را گم نمیکنند، این است که همه جا حضور دارند. آنجائی که باید حضور داشته باشند، حضور دارند؛ این را باید نگه دارید، این را باید حفظ کنید؛ نسل به نسل، دست به دست بگردد.

جوانهای امروز ما - که در این جلسه، بسیاری جوانها هستند - جنگ را ندیده‌اند؛ شماها شهید باکری را ندیده‌اید، باکری‌ها را ندیده‌اید، آن دوران محنت عظیم را لمس نکردید، امام را هم ندیدید؛ اما روحیه‌ی شما همان روحیه است، فکر شما همان فکر است؛ راه شما همان راه است، تشخیص شما همان تشخیص است؛ این خیلی مهم است. این جریان مستمر باید ادامه پیدا کند. این جریان مثل رودخانه‌ای است، مثل شطی است که منطقه را سیراب میکند؛ بصیرت این است. به قول شاعر تبریزی: «شط اگر اولماسا بغداد اولماز». وجود يك شهر آباد، به خاطر آن شریان حیاتی آبی است که در آن وجود دارد. این ایمان و بصیرت ایمانی، همان شریان حیاتی است؛ همان احیاءکننده‌ی فکرها و دلهاست. و این، اثر خودش را در دنیا گذاشته است.

امروز در دنیای اسلام يك بیداری حس میشود؛ این را دیگر ما نمیگوئیم. در این سالها ما میگفتیم که حرکت بیداری اسلامی شروع شده است، جنبش اسلامی شروع شده است. خیلی‌ها به ظاهر قضیه نگاه میکردند، میگفتند خبری نیست، اینها چه میگویند؛ اما امروز چشمهای سر دارد می‌بیند، گوشها دارد فریادها را میشنود. صحنه، صحنه‌ای است که همه چیز در آن واضح و آشکار است. همین قضیه‌ی مصر، قضیه‌ی بسیار مهمی است. مصر را که يك ملت کهن دارای تمدن دارای فهم عمیق و جوانهای خوب است، يك مشیت مزدور خائن، وابسته کرده بودند به آمریکا، متصل کرده بودند به دشمن صهیونیستی. مردم خون دل میخوردند، کاری هم نمیتوانستند بکنند؛ چون فشار زیاد بود. این حرکت عظیمی که در آنجا اتفاق افتاد، يك حرکت دفعی نبود. حرکت‌های بزرگ اجتماعی، اتفاقات لحظه‌ای نیست؛ اینها بروز لحظه‌ای است. اتفاق در طول زمان، با پی‌درپی آمدن عوامل گوناگون - معرفتها، بصیرتها، خون‌دلها، عقده‌ها - جمع میشود، ناگهان به يك مناسبتی، در يك وقت مناسبی بروز میکند. و در مصر بروز کرد.

روشنفکران مصری، آگاهان مصری مرتبط بودند؛ بعضی می‌آمدند، میرفتند؛ ما اطلاع داشتیم، میدانستیم آنها در چه احساسی قرار دارند و چگونه مسائل را می‌بینند. امروز هم من نگاه میکنم به اظهارات این جوانهای مصری و مردم مصر - تا آن حدی که منتشر میشود و در اختیار ما قرار میگیرد - میتوانم بفهمم که خصوصیات اینها چیست. عامل اصلی حرکت اینها، به ستوه آمدن از ذلتی است که فرمانروایان وابسته بر این ملت تحمیل میکردند. وقتی تسلیم آمریکا شدید، وقتی قدرت فائقه‌ی ابرقدرت را قبول کردید، دنباله‌اش این چیزها هست. يك ملت باید در مقابل زورگوئی و قلدری قدرتهای سلطه‌گر بایستد تا مجبور نباشد به دنباله‌ها و تبعات آن مبتلا شود. وقتی حکومتها ضعیف بودند، زبون بودند، یا ضعیف‌النفس بودند، یا خائن بودند - ضعیف‌النفس بودن هم به خیانت منتهی میشود؛ فرقی نمیکند - و در مقابل ابرقدرتها تسلیم شدند، دنباله‌اش همینها هم هست. او میخواهد يك موجود جعلی به نام اسرائیل در اینجا قدرت پیدا کند، شما مجبورید دنبال او حرکت کنید. ملت مستقل خاصیتش این است که نگاه میکند ببیند چی درست است، کدام راه صحیح است، منطبق با تشخیص اوست، ایمان اوست، از آن راه حرکت میکند، آن اقدام را انجام میدهد. وقتی استقلال نبود، این نیست. این وابستگی برای يك کشور ذلت می‌آورد؛ این همان چیزی است که جوانهای مصری را به ستوه آورد، ناگهان حرکت اینها بروز کرد.

امروز من نگاه میکنم، عزم راسخ آنها را می‌بینم، ایمان آنها را مشاهده میکنم. انسان حضور مؤثر جوانها را در مصر می‌بیند. شما جوانهای عزیز قدر خودتان را خیلی بدانید. شما الگوی جوانهای دنیا شدید. جوان تعیین‌کننده است،

تحول آفرین است، موتور پیشرفت است، شکافنده‌ی بن‌بست‌هاست. نیروی جوانی این است. در مصر هم جوانها هستند که دارند خیلی کارها را میکنند؛ همچنین کسانی که با جسم خودشان، با جان خودشان، با همه‌ی وجود خودشان، رنج و محنت حاکمیت آن طواغیت را، آن طاغوت را لمس و حس کردند. حرکت، حرکت از مساجد است؛ حرکت نمازجمعه‌ای است؛ حرکت به نام خداست؛ اینها خیلی ارزش دارد. و حرکت، حرکت عمومی است. آنچه که من میتوانم به طور قاطع بگویم، این است که وقتی مردم آمدند توی صحنه، دیگر همه‌ی ابزارهای خصمانه‌ی قدرتها از کار می‌افتد. آمریکا تا وقتی میتواند به یک کشور زور بگوید که مردم آن کشور مقابلش نباشند. به دولتها راحت میشود زور گفت. دولتهائی که متکی به مردمشان نیستند، مجبورند به حرف آمریکا بیایند، به حرف آمریکا بروند. یک روز آمریکا یک نفر را نصب میکند، یک روز حمایت میکند، یک روز هم حمایت را برمیدارد، مجبور است برود. وقتی هم که رفت، دیگر محل سگ هم بهش نمیگذارند؛ می‌بینید دیگر. قبل از او هم محمدرضا بود، اندکی قبل از او هم بن‌علی تونس بود. وقتی که دولتها متکی به مردم نباشند، این است. وقتی مردم آمدند توی صحنه، مردم فهمیدند، مردم احساس کردند، مردم تصمیم گرفتند، آن وقت دیگر قدرتها هیچ کار نمیتوانند بکنند. این اتفاق، امروز در مصر افتاده است. تا مردم در صحنه هستند، دیگر نمیتوانند هیچ حرکتی بکنند، کاری بکنند.

البته امروز آمریکائی‌ها درصددند که بلکه بتوانند در مصر سر مردم را کلاه بگذارند، آنها را منصرف کنند، با یک دستاوردهای جزئی و ابتدائی آنها را قانع کنند، آنها را برگردانند به خانه‌های خودشان که دیگر در صحنه نباشند. بعید است چنین ترفندی به نتیجه برسد. وقتی مردم بیدار شدند، قدرت خود را احساس کردند، توانائی تأثیرگذاری را احساس کردند، دیگر فایده‌ای ندارد؛ مردم می‌آیند داخل میدان و اهداف عالی را اگر برای آنها ترسیم شود، دنبال میکنند و ان‌شاءالله به آن اهداف میرسند.

ما نتیجه و ثمره‌ی شیرین مقاومت ملت عظیممان را داریم مشاهده میکنیم و آن عبارت است از صلابت چهره‌ی ایران اسلامی، عزت ایران اسلامی، تأثیرگذاری ایران اسلامی در حوادث گوناگون، در منطقه و حتی بیرون از این منطقه. احساس میکنیم که ایمان و اسلام به ما عزت داد، به ما پیشرفت داد، ما را به سمت آرمانهامان نزدیک کرد. هرچه ایمانمان را تقویت کنیم، هرچه تحقق اسلام را در جامعه و ارزشهای اسلامی را در بین خودمان بیشتر کنیم، این عزت بیشتر خواهد شد، این پیشرفت بیشتر خواهد شد و زندگی مادی و معنوی اصلاح خواهد شد؛ و این به همت جوانان، به همت مردم، به ایمان مردم بستگی دارد. و خوشبختانه انسان این را مشاهده میکند. انسان می‌بیند در زن و مرد ما، پیر و جوان ما، در بخشهای مختلف این کشور، در اقوام گوناگون، این عزم و اراده هست و ان‌شاءالله خواهد بود و ان‌شاءالله شما جوانها خواهید دید آن دورانی را که ایران به برکت اسلام و به برکت قرآن بتواند در اوج و در قله‌ی عظمت بدرخشد.

امیدواریم خداوند متعال رحمت خود، فضل خود، لطف خود را بر شما مردم عزیز آذربایجان و مردم تبریز نازل فرماید و امیدواریم خداوند متعال به ملت ایران کمک کند که بتوانند این راه شرف و عزت را با سرعت، با استقامت کامل، همچنان بپیمایند و شهدای عزیز ما را مشمول رحمت و مغفرت خودش بفرماید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) صف: 8